

یکی از کاتبان لطائف الحقائق به نام «فهرست کتاب جامع التصانیف رشیدی» فراهم آورده است توضیح و تبیین می‌گردد. در آن فهرست از کتابی موسوم به بیان الحقائق یاد شده که مشتمل بر هفده رساله است. فهرست رساله‌های آن کتاب هم در همان فهرست به این قرار معرفی گردیده است:

رساله اول - سؤال سلطان خلد ملکه،
 رساله دوم - نصیحت سلطان خلد ملکه،
 رساله سوم - سؤالات علما،
 رساله چهارم - تفسیر آیت ولو شئنا لأتینا،
 رساله پنجم - تفسیر آیت ولو علم الله فیهم خیراً،
 رساله ششم - تفسیر سوره انا انزلناه،
 رساله هفتم - در بیان حقیقت الوان و تفسیر آیت الله نور السموات،

رساله هشتم - در حروف و تحقیق مباحث آن،
 رساله نهم - در بیان فواید زیارت مشاهد تربتهای بزرگان،
 رساله دهم - در نصیحة الأخوان،
 رساله یازدهم - در تحقیق سبب جدری و اعتراضات بر آنچه اطباء گفته اند،

رساله دوازدهم - در بیان حرارت و انواع آن،
 رساله سیزدهم - ذیل نفایس الأفكار در بیان دوام خلود در بهشت و دوزخ،

رساله چهاردهم - در بیان حقیقت خرقه و مناسبت نسبت به امیرالمؤمنین کرم الله وجهه،
 رساله پانزدهم - در شرح حدیث انا مدینه العلم و علی بابها،
 رساله شانزدهم - در شرح معقول و منقول،
 رساله هفدهم - در ناسخ و منسوخ.^۳

۱. مجتبی مینوی، «آثار رشیدالدین فضل الله» چاپ شده در یادگارنامه حبیب یغمائی، ص ۳۶۰.

۲. مقصود نگارنده نسخه موجود در کتابخانه گنج بخش (اسلام آباد، پاکستان) است که به اهتمام آقای دکتر رضا شعبانی از سوی مرکز تحقیقات ایران و پاکستان، به سال ۱۳۷۱ ش/۱۹۹۳ م به نام اسوله و اجوبه رشیدی منتشر شده است.

۳. رشیدالدین فضل الله همدانی، لطائف الحقائق، به کوشش غلامرضا طاهر، تهران، ۱۳۵۷، ۱۰/۲.

در جستجوی ساختار

یک اثر

رشیدالدین همدانی

نجیب مایل هروی

در میان نگارشهای خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی وزیر (کُشته ۷۱۸ق در آبهَر) ساختار یک اثر ارزشمند او و هنوز درخور تأمل و غوررسی می‌نماید. این اثر عبارت است از بیان الحقائق؛ که جایگاه نویسنده را در تاریخ علوم فلسفی و عرفان محقق و منجز می‌دارد.

بیشتری معاصران ما بر این نگاشته رشیدالدین وزیر تأملی درخور نداشته‌اند، تا جایی که برخی از آنان ادعا کرده‌اند که مؤلف این اثر را به مرحله تألیف و تحریر نرسانده، بلکه در مرحله «طرح» داشته است.^۱ برخی نیز با وجود آنکه نسخه‌ای نسبتاً منفتح از بخش عمده بیان الحقائق را در دست داشته و آن را به چاپ رسانیده‌اند، اما به نام و نشان درست آن پی نبرده و ساختار اصلی آن را دریافته‌اند.^۲ اما قراین چندگانه و چند گونه‌ای وجود دارد که اولاً رشیدالدین وزیر بیان الحقائق را در مرحله طرح رها نکرده و آن را تألیف و تحریر کرده است، ثانیاً ساختار آن را تنظیم و مشخص نموده و به جهت تکثیر و نسخه نویسی به ربع رشیدی فرستاده بوده است. این نکته‌ها از فهرستی که

نیز فهرست جزئیات آنها را - همچنان که اشاره کردیم - یکی از کاتبان ربیع رشیدی به نام «فهرست جامع التصانیف رشیدی» فراهم آورده است. سوای اینها، آنچه به خواجه منسوب شده است، بواقع صورتهایی گوناگون است از همان آثار مسلم الصدور وی.

البته گفتنی است که در زمان حیات خواجه رشید، و به دستور خود وی، نسخه نویسان آثار او را به صورت مفرد و جداگانه می نوشته اند و نیز به دستور او گاه از چند اثر وی یک مجموعه فراهم می آورده اند. و حتی خود خواجه مقرر کرده بود که یک مجموعه کامل از جمیع آثار او نیز فراهم شود که همان «جامع التصانیف رشیدی» باشد. این گوناگونی کتابت نگارشهای خواجه باز هم توسط نویسنده فهرست جامع التصانیف بصراحت مطرح شده است.^۴

باری، در راستای مجموعه سازی نگارشهای خواجه - آن چنان که از مطاوی همان فهرست برمی آید - کاتبان ربیع رشیدی وجه موضوعی مجموعه ها را اعتبار می داده اند. یعنی چند اثر را که به لحاظ موضوع هماهنگ و همسان بوده اند، در یک مجموعه فراهم می دیده اند. از میان آثار همسان خواجه می توان به لطائف الحقائق، بیان الحقائق، مفتاح التفاسیر و توضیحات او توجه داشت که هر چهار اثر - همچنان که پیش از این اشاره شد - متضمن فوایدی است که از خواجه سؤال شده و او به مضمون سؤال وسائل اشاره کرده و سپس به پاسخ سؤال پرداخته است.^۵ این شیوه و

نه تنها این فهرست حاکی از آن است که رشیدالدین وزیر بیان الحقائق را تألیف و تدوین کرده است، بلکه ضبط آن در اوائل لطائف الحقائق ما را به نسخه یا نسخه های موجود از آن اثر راهنمایی می کند. براساس همین فهرست بود که نگارنده در سال ۱۳۶۸ یک نسخه از نهمین رساله آن اثر را - که در «بیان فواید زیارت مشاهد و تربتهای بزرگان» است - بازیافت^۱، اما در سال ۱۳۷۱ خ/۱۹۹۳ م صورت عکسی و حروفی اثری از خواجه رشیدالدین همدانی به نام «اسئله و اجوبه رشیدی» براساس نسخه ای ناقص الأوّل والآخر، کتابت شده در دهه نخست سده هشتم هجری منتشر شد^۲ که به قطع و یقین بیشترین رساله های آن مربوط به بیان الحقائق است.

باید دانست که معاصران، در میان آثار خواجه رشیدالدین همدانی به دو اثر به نامهای مکاتیب رشیدی یا سوانح الأفكار رشیدی و اسئله و اجوبه یا فواید رشیدیه اشاره کرده اند که به ضرس قاطع نمی توان آن دو را از مصنّفات مدوّن خواجه محسوب داشت. اولی مجموعه نامه ها و مکتوبهایی است منسوب به خواجه که توسط محمد ابرقوهی جمع و تدوین شده که بعضی چون رو بن لوی نسبت آن نامه ها را نیز به رشیدالدین وزیر رد کرده است.^۳ و دومی هم نامی است که عموماً از فحوای محتوای توضیحات، مفتاح التفاسیر، لطائف الحقائق و بیان الحقائق او برخاسته و ساخته شده است. زیرا این نگارشهای چهارگانه متضمن رساله هایی است به سیاق پرسش و پاسخ (اسئله و اجوبه) و دارای فواید فلسفی، عرفانی، علمی و ... باید گفت که آثار مسلم خواجه عبارتند از: ۱. توضیحات؛ ۲. مفتاح التفاسیر؛ ۳. سلطانیه؛ ۴. لطائف الحقائق؛ ۵. بیان الحقائق؛ ۶. آثار و احیاء؛ ۷. جامع التواریخ؛ ۸. طب اهل ختا. مجموعه این آثار، و

۱. ر. ک: مجموعه رسائل فارسی، دفتر دوم، مشهد، ۱۳۶۸، صص ۶۹-۵۱.

۲. ر. ک: یادداشت پاورقی شماره ۲ همین گفتار.

۳. ر. ک: سوانح الأفكار رشیدی، نگارش رشیدالدین فضل الله همدانی، به کوشش محدثی دانش پژوه، تهران، ۱۳۵۸، صص ۴۶-۴۸.

۴. ر. ک: فهرست جامع التصانیف رشیدی، چاپ شده در آغاز لطائف الحقائق رشیدالدین همدانی، پیشین، ۲/۲-۳. باید دانست که در چاپ آقای غلامرضا طاهر به خطا نویسنده فهرست خود رشیدالدین وزیر دانسته شده است.

۵. همین شیوه تألیف سبب شده است که گویا متأخران و معاصران و شاید هم کاتبان معاصر خواجه رشیدالدین، این دسته از آثار او را به عنوان مشهور مدرسی - یعنی اسئله و اجوبه - بنامند.

اسلوب در هر چهار اثر مذکور مشهود است. به همین جهت، نسخه نویسان آنها را در یک مجموعه نوشته اند و «مجموعه رشیدیّه» نامیده اند.^۱ خاصه که محتوا و مضمون این چهار اثر نیز به لحاظ موضوعی قابل جمع و تألیف می نماید.

با این اشاره ها برگردیم بر سر نسخه اسؤله و اجوبه رشیدی که هیأت عکسی و نیز صورت حروفی آن با همان رسم الخط نسخه (۱) به چاپ رسیده است. این نسخه بدون تردید، نه تنها به اعتبار نسخه سازی و نسخه آرای حیاتی اهمیت فراوان است، بلکه به لحاظ شناخت ساختار و محتوای بیان الحقائق خواجه رشید نیز شایان توغّل و تأمل می نماید. اما باید دانست که به ظنّ قریب به یقین، صورت کامل نسخه مذکور متضمّن چهار اثر نامبرده رشید الدین همدانی بوده است. یعنی کاتب نسخه مذکور، توضیحات، مفتاح التفاسیر، بیان الحقائق و لطائف الحقائق را در یک مجموعه نویسانیده بوده است ولیکن بخشی از این مجموعه - که بدون تردید در ربع رشیدی فراهم آمده است - هم اکنون به شماره ۱۳۷۸۹ در کتابخانه گنج بخش (پاکستان) نگهداری می شود. بخش موجود از مجموعه مذکور - که به نام اسؤله و اجوبه رشیدی منتشر شده است - نباید اثری جداگانه و مستقل محسوب گردد. چرا که اولاً خواجه رشید الدین فضل الله، اثری به این نام تدوین نکرده بوده است و ثانیاً رساله های کامل و ناقص که در بخش موجود از مجموعه مذکور دیده می شود، بواقع بر چندین رساله از بیان الحقائق و چند رساله از لطائف الحقائق خواجه رشید اشتغال دارد؛ به طوری که نه رساله از هفده رساله بیان الحقائق در بخش موجود از مجموعه مورد نظر ثبت گردیده است و دو رساله از چهارده رساله لطائف الحقائق، به این قرار:

رساله نخست از بخش موجود مجموعه مورد نظر «در اثبات حشر اجساد» عنوان دارد که از متن آن استنباط می شود که همان «نفایس الافکار» است که رساله سیزدهم بیان الحقائق را ساخته است.^۲

رساله دوازدهم که در اسؤله و اجوبه رشیدی تحت عنوان «مباحث مقام فراهان» ضبط شده و بواقع نصیحت

نامه، همراه با ستایش است از سلطان (اولجایتو)، که برابر است با رساله دوم بیان الحقائق که در فهرست جامع التصانیف به عنوان «نصیحت سلطان، خلد ملکه» آمده است.^۳

رساله های سیزدهم، چهاردهم، پانزدهم و شانزدهم نسخه موجود از اسؤله و اجوبه رشیدی دارای عناوینی اند به این ترتیب: رساله سؤالات علما، تفسیر آیه ولو شتتا، و تفسیر آیه ولو علم الله، که دقیقاً رساله های سوم، چهارم، پنجم و ششم بیان الحقائق را تشکیل می دهند با همان عنوانها.^۴

رساله هفدهم اسؤله و اجوبه رشیدی که به نام «فائده زیارت» نامیده شده، بی گمان همان رساله نهم بیان الحقائق است با عنوان «در بیان فواید زیارت مشاهد تربت های بزرگان». ^۵ گفتنی است که از این رساله یک نسخه مستقل نیز وجود دارد که نگارنده آن را در مجموعه رسائل فارسی شناسانده و عرضه داشته است. ^۶ بخش نخست این نسخه جداگانه به قیاس با رساله موجود مذکور در اسؤله و اجوبه با اندک تفاوت های کتابتی قابل انطباق است و همگون و همسان می نماید، ولیکن در نسخه مذکور بخش دیگری هم هست که اسؤله و اجوبه فاقد آن می باشد.

همچنان رساله های هجدهم و نوزدهم اسؤله و اجوبه با عنوانهای «شرح حدیث انا مدینه العلم و علی بابها» و «مراتب علوم: علوم معقول و منقول» ضبط شده است که

۱. فهرست جامع التصانیف رشیدی، پیشین، ۴/۲.
۲. ر. ک: لطائف الحقائق، پیشین، ۱۱۰/۲ قس: اسؤله و اجوبه رشیدی، پیشین، ۱/۲.
۳. ر. ک: لطائف، همانجا؛ قس: اسؤله، ۱۷۸/۲.
۴. ر. ک: لطائف، همانجا؛ قس: اسؤله، ۱۹۲/۲، ۲۲۴، ۲۳۲، ۲۳۷.
۵. ر. ک: لطائف، همانجا؛ قس: اسؤله، ۲۴۲/۲.
۶. ر. ک: مجموعه رسائل فارسی، دفتر دوم، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۶۸، ۵۱.

ملازم مسجد و درگاه سلطنت پناه پادشاه اسلام خلد الله ملكه است.

(اسؤله ۲/۳۴۹)

تفسیر آیت قل لو كان البحر مداداً

چنین گوید مؤلف این رساله ... که در اواسط ماه شعبان سنه ست و سبعمائه مولانا معظم اقصی القضاة والحکام نعمان الزمان، یگانه و مقتدای ایران مفتی الفریقین برهان الملة و الدین معروف به قاضی مرو که درین وقت از حکم یرلیغ قاضی القضاة اردوی معظم و ملازم مسجد و درگاه سلطنت پناه پادشاه اسلام خلد الله ملكه است.

(لطائف ۱/۷۱)

غیر از رساله های بیان الحقائق و لطائف الحقائق که در مجموعه اسؤله و اجوبه دیده می شود، رساله های دیگر آن نیز بی گمان مربوط می شود به رساله های توضیحات و مفتاح التفسیر، که البتة اثبات یگانگی این رساله ها موکول است به پیدا شدن نسخه هایی از توضیحات و مفتاح. با این همه آنچه درخور بازگویی و تکرار است، اینکه آنچه به نام اسؤله و اجوبه رشیدی از سوی مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان منتشر شده است، اثری مستقل و جداگانه نیست، بلکه نسخه ای است از بخش اول جامع التصانیف رشیدی که درباره «عملیات از شرعیات و حکمیات و معارف و هرچه از آن جمله باشد» بوده است و متضمن چهار اثر رشیدالدین: توضیحات، مفتاح التفسیر، لطائف الحقائق و بیان الحقائق، که متأسفانه پاره موجود آن نسخه، اشتمال بر بیست و چهار رساله از رسائل بیان الحقائق، لطائف الحقائق و توضیحات، و چند رساله ناشناخته دارد که آنها نیز می بایست به یکی از کتابهای توضیحات و داشته باشند.

دقیقاً رساله های پانزدهم و شانزدهم بیان الحقائق را تشکیل می دهند با همین عنوانها.^۱

سواى نه رساله مزبور، که مربوط به بیان الحقائق است و تا حدی پرده از روی رخسار پنهان این اثر خواجه رشیدالدین برمی دارد و تأیید می کند که بیان الحقائق با هفده رساله آن تألیف و تدوین شده بوده است. دو رساله ۲۱ و ۲۲ اسؤله و اجوبه نیز با عنوانهای تدویر زمین، و تفسیر آیت «قل لو كان البحر مداداً»، رساله هایی است مربوط به لطائف الحقائق خواجه رشید. به آغاز این دو رساله در نسخه های اسؤله و لطائف توجه کنید:

اسؤله و اجوبه

حمد له، اما بعد چنین گوید

أضعف عباد الله تعالى ... فضل الله بن ابي الخير بن عالی المشتهر بالرشيد الطيب که روزی در مجمعی اتفاق افتاد که بعضی از اکابر تقریر کردند که آنچه حکما گفته اند که زمین مدورست ...

(اسؤله ۳۴۹)

لطائف الحقائق

حمد له، اما بعد چنین گوید أضعف عباد تعالى ... فضل الله بن ابي الخير بن عالی المشتهر بالرشيد الطيب، که روزی در مجمعی اتفاق افتاد که بعضی از اکابر تقریر کردند که آنچه حکما گفته اند که زمین مدورست ...

(لطائف ۱/۱۴۲)

تفسیر آیت قل لو كان البحر مداداً

چنین گوید مؤلف این رساله ... که در اواسط ماه شعبان سنه ست و سبعمائه مولانا معظم اقصی القضاة والحکام نعمان الزمان، یگانه و مقتدای ایران مفتی الفریقین برهان الملة و الدین معروف به قاضی مرو که درین وقت از حکم یرلیغ قاضی القضاة اردوی معظم و